

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ مارچ ۲۰۲۱

فضای سیاسی در قری که گذشت!

۱

یکشنبه- ۰۱ حمل ۱۴۰۰ - کابل: امروز اول حمل، یعنی نخستین روز سال است تنها با این تفاوت که خلاف سالهای دیگر تنها نخستین روز سال نیست بلکه نخستین روز قرن جدید نیز می باشد. از همین رو ضمن عرض تبریک می خواهم به مثابه وداعیه نکاتی چند در مورد قری که گذشت، خدمت شما بزرگواران تقدیم بدارم.

از آن جایی که بررسی کامل و همه جانبه قری که گذشت در جمیع ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی با در نظر داشت آن که در بیشتر این بازه زمانی افغانستان در تنور جنگهای استعماری اشغالگران و تقابل ارتجاعی قومی سوخته است؛ در مقطع کنونی عمدتاً از لحاظ وقت و مواد مورد ضرورت برایم مقدور نیست، به اجازه شما خوانندگان گرامی، تلاش خواهم نمود تا فضای سیاسی را درازنای قری که گذشت، مختصراً به بحث بگیرم تا دیده شود که مردم ما قرن گذشته را با چه شرایطی از لحاظ فضای سیاسی حاکم آغاز و در چه شرایطی آن را به پایان برده اند و آیا در قری که گذشت چیزی برای افتخار داریم و یا خیر؟

قرن ۱۴ برای کشور و مردم ما درست زمانی آغاز یافت، که در عرصه بین المللی ۴ سال قبل از آن برای نخستین بار در تاریخ پر از فراز و نشیب بشریت، پرولتاریای پیروزمند کشور پهناور روسیه تزاری، تحت رهبری داهیانۀ رهبران بزرگ و مصمم انقلاب شان، به خصوص لنین و ستالین، دژ ظاهراً تسخیر ناپذیر پورژوازی را در هم شکسته با ایجاد نخستین قدرت شورائی نوید از بین بردن کار مزدی و استثمار انسان از انسان را به جهانیان اعلام داشتند. همچنان در شرایط داخلی، مردم آزاده افغانستان دو سال قبل از آغاز قرن، بعد از ۸۰ سال تقابل رویاروی با استعمار انگلیس که آن زمان در قلمروش آفتاب غروب نمی کرد، پروژه استعماری بریتانیای کبیر را به خاک مالیده، به مثابه کشور مستقل زنجیر اسارت و بردگی استعماری را در هم شکست.

در چنان شرایطی مسلم است که از یک سو شرایط مساعد منطقه ئی و فرا منطقه ئی و از جانب دیگر، ایجاد یک دولت جوان ضد استعماری، می توانست مساعدترین و بهترین فضاء برای پیدایش و رشد فضای آزادیخواهانه و دموکراتیک را فراهم سازد، از همین رو می توانیم بنویسم که پدران و نیاکان ما قرن ۱۴ را قسمّاً در بهترین فضای سیاسی آغاز نمودند. چه توده های میلیونی کشور و قشر بسیار معدود و انگشت شمار روشنفکر افغانستان در حالی که همه غرق در جو و فضای آزادیخواهانه ضد استعماری به کار و پیکار روزمره شان اشتغال داشتند، دولت جوان امانی که می توان

آن را ثمره جنبش های مشروطیت قبل از خودش دانست، با بریدن از یک ساختار قبیله ئی و رفتن به طرف یک دولت مدرن قانونمدار، با تدوین اولین قانون اساسی کشور در ۲۰ حمل سال ۱۳۰۲، نوید آمدن بهار را به شهروندان کشور ارزانی داشت.

اما این طلوع و درخشش همان طور که گفته اند "دولت مستعجل بود" و نا پایدار، فقط یکی دو سال بعد از آن دیده شد که آهسته آهسته به مثابه واکنش منفی در قبال تحریکات ارتجاع و استعمار، شاه جوان در حالی دست به عقب نشینی زد که تا آن زمان نه تنها توده های میلیونی کشور به معنای دستاورد مبارزاتی جنبش آزادیخواهانه و دموکراتیک پی نبرده بودند، بلکه با برخورد منفعلانه روشنفکران در قبال عقبگرد های شخص پادشاه و خود را حین موضعگیری در قبال آن عقبگرد ها کنار کشیدن، به جرأت می توان حکم نمود که حتا آنها نیز معنا و نتایج برخورد منفعلانه شان را بدرستی درک نتوانستند. در غیر آن در آخرین روز های حاکمیت امانی، شاه جوان و ترقیخواه را که واقعاً از مداخلات استعمار و ارتجاع هراسان شده بود، تنها نمی گذاشتند. و میدان را برای حاکمیت تاریک و استبدادی "حبیب الله کلکانی" خالی نمی گذاشتند تا با ۳۲۰ نفر شاه را متواری و با اشغال ارگ و پایتخت، تیرگی و ظلمت شب را بر روشنائی و درخشش طلوع خورشید پیروز بگردانند.

ادامه دارد